

# شاهنامه فردوسی

بر اساس نسخه مسکو  
تحت نظر ی.ا. برتلس

www.ketab.ir



انتشارات نوید صبح

تهران - ۱۳۹۵

# شاهنامه فردوسی

براساس نسخه چاپ مسکو  
تحت نظر ی.ا. برتلس

ناشر: انتشارات نوید صبح  
صفحه آرای: میروحید ذنویی  
نگارگری: عبدالله محرمی  
لیتوگرافی: برنا  
تیراژ: ۱۰۰۰  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۷۱-۹۸-۴



انتشارات نوید صبح

تهران: میدان انقلاب، خیابان دانش، لبافی نژاد، بین دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۱۷

تلفن: ۶۲۹۴ ۰۹۱۲۸۱

Email: na.noor.h@yahoo.com

|                     |                                               |
|---------------------|-----------------------------------------------|
| سرشناسه             | فردوسی، ابوالقاسم، ۱۰۲۹-۴۰۰ ه.ق.              |
| عنوان قراردادی      | شاهنامه                                       |
| عنوان و نام پدیدآور | شاهنامه فردوسی براساس نسخه/تحت نظر ی.ا. برتلس |
| مشخصات نشر          | تهران: نوید صبح، ۱۳۹۵                         |
| مشخصات ظاهری        | ۶۳۲ ص. مصور (بخش رنگی)، ۲۲×، ۱ س.م.           |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۷۱-۹۸-۴                             |
| وضعیت فهرست نویسی   | لیپا                                          |
| موضوع               | شعر فارسی - قرن ۴ ق.                          |
| موضوع               | Persian poetry-10th century                   |
| شناسه افزوده        | برتلس، یوگنی ادواردوویچ، ۱۸۹۰-۱۹۵۷ م.         |
| شناسه افزوده        | Bertel's, Evgenii Eduardovich                 |
| ردمبندی کنگره       | PIR۴۴۹۰ ۱۳۹۵                                  |
| ردمبندی دیویی       | ۸۸۱/۲۱                                        |
| شماره کتابشناسی ملی | ۴۲۵۰۵۵۹                                       |

## پیشگفتار

می‌گردد نیز هر دو اصولاً بر پایه متن‌های مول و ماکان قرار دارند.

دانشمندان جهان بارها درباره لزوم انتشار متن انتقادی جدیدی از این اثر پر عظمت، داهیانه و دارای اهمیت جهانی، که متکی بر اصول علمی و قدیمی‌ترین و بهترین نسخ باشد، تذکار داده‌اند. انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی برای انتشار متن نوین علمی شاهنامه راه دیگری که با راه متقدمین تفاوت دارد در پیش گرفت. استفاده از چاپهای قبلی که بر پایه نسخ خطی نامعلوم و بدون ذکر تاریخ قرار دارند (بجز در موارد استثنایی) بدون فایده تشخیص داده شد. هم‌چنین رجوع به شماره زیادی از نسخ خطی قرون مختلف که دارای اغلاط و اشتباهات و اذافات و تحریفات زیادند نیز غیر مفید بنظر رسید. در نتیجه چنین تصمیم گرفته شد که فقط از قدیمی‌ترین نسخه‌ها که تقریباً هم‌زمان و از حیث متن به یکدیگر نزدیک باشند استفاده گردد.

ترتیب نشان متن برای کار خود از نسخ خطی زیرین استفاده نموده‌اند:

۱- نسخه خطی ۱۰۰۰ برنیا، که در سال ۶۷۵ هجری کتابت شده، از کلیه نسخ خطی به تابلحال معلوم و مشهور است قدیمی‌تر و بنظر ما بهترین نسخه موجود است. (این نسخه در همه جا با علامت شرطی I نمایانده شده).

۲- نسخه خطی کتابخانه عمومی لنینگراد که در سال ۷۳۳ هجری کتابت شده و دومین نسخه‌ایست که قدیمی‌تر از کلیه نسخه‌های مشهور است. (این نسخه در همه جا با علامت شرطی I نامیده شده).

۳- نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی که در سال ۸۴۹ هجری کتابت شده ولی حاوی «مقدمه قدیم» شاهنامه است و بنابراین این از روی نسخه‌ای قدیمی‌تر، که متن آن با متن نسخه سال ۷۳۲ بسیار نزدیک بوده است، استنساخ گردیده. (برای این نسخه علامت شرطی IV بکار برده می‌شود).

۴- نسخه خطی انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی، بدون تاریخ، ولی به حسب شیوه کتابت،

این پیشگفتار ملخص مقدمه مفصلی است به قلم دانشمند فقیه ی. برتلس (وفات سال ۱۹۵۷) کاتب متن انتقادی حاضر شاهنامه تحت نظری تهیه شده است. اصل مقدمه در این مجلد به زبان روسی درج گردیده است.

چنانکه معلوم است، اولین متن کامل و علمی شاهنامه که در قرن گذشته به توسط ت. کان و ژ. مول انتشار یافته و در زمان انتشار از موفقیت‌های مهم به شما می‌آمدند، پاره‌ای از خواست‌های اساسی متن انتقادی علمی را برآورده نمی‌ساختند. نه مول و نه ماکان در خدمتای متن‌های انتقادی خود صراحتاً تذکار نداده‌اند که کدام نسخه‌ها را در استفاده قرار داده، کدام متن‌ها را مرجح دانسته و کدام نسخه‌ها را انتقاد متن را بکار برده‌اند. هر دو ناشر، آنقدر که معلوم است، شماره زیادی از نسخه‌های نه‌چندان قدیمی شاهنامه را گرفته، آنها را با یکدیگر مقایسه نموده و متن اصلی را نسبتاً خودسرانه انتخاب نموده و واریانت‌های نسخه‌های دیگر را ابتدا ذکر نکرده‌اند. بدین شکل متن‌هایی بدست آمده است که قرائت آنها آسان ولی رابطه‌شان با متن اصلی اثر فردوسی نامعلوم است.

در اواخر قرن گذشته، وولرس چاپ دیگری از شاهنامه منتشر ساخت. وولرس چاپهای مول و ماکان را با هم مقایسه نموده، متن خود را بر پایه این دو چاپ قرار داد و تفاوت آنها را با دقت در پاورقی ذکر نمود. علاوه بر آنکه چاپ وولرس بواسطه قوت ناشر ناتمام ماند این چاپ نیز مسائل عمده‌ای را که بر عهده علم است، یعنی رجوع به قدیمی‌ترین، بهترین و معتبرترین نسخه‌های خطی و همچنین معرفی نسخه‌های مورد استفاده و ذکر دقیق نسخه‌بدلها، حل ننمود.

هنگام جشن هزاره فردوسی چاپخانه «بروخیم»، متن ناتمام وولرس را تقریباً بدون تغییر چاپ نمود و ترتیب دادن بقیه آن را، که وولرس و شاگردش لاندائوور بدان توفیق نیافته بودند، به عهده سعید نفیسی گذاشت (ما این چاپ را با علامت شرطی T می‌نامیم). متن شاهنامه چاپخانه «خاور» که به مناسبت جشن هزاره فردوسی انتشار یافته و همچنین چاپ دبیرسیاقی که در این اواخر منتشر

عبارت دیگر نامعلومی معرف نامعلوم دیگری خواهد بود. و همانا بهمین جهت فرهنگ ف. ولف که بر پایه چاپ‌های مول و ماکان، یعنی متون در هم آمیخته، و بر اساس نسخه‌های خطی قرون مختلف قرار گرفته، نیز در ترتیب‌دادن این متن از طرف ما با کمال احتیاط بکار برده شده است. بدین شکل، متن حاضر بطور کلی حاوی متنی است که از کلیه متون معلوم شاهنامه قدیمی‌تر است و مربوط به قرون هفتم و هشتم هجری می‌باشد، و هم‌چنین نسخه‌های هم‌عصر و هماهنگ این قرون را که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته‌اند در دسترس دانش قرار می‌دهد. بی‌شک این متن از متن‌های در هم آمیخته چاپ‌های موجود و نسخ قرون پس از قرن نهم هجری به متن اصلی که پرداخته خامه فردوسی است نزدیک‌تر می‌باشد.

با وجود این، متن حاضر را بهیچوجه نمی‌توان متن «آخرین» و «متن اصلی» به‌شمار آورد. بلکه تشیع عمیق فیلولوژیک متن شاهنامه فقط آغاز می‌گردد. قبل از هر کار لازم است که منظره تغییر تاریخی‌ای که متن شاهنامه در جریان قرون متوالی بدان دچار گردیده است تثبیت گردد. ولی انجام یکباره این امر بواسطه وجود نسخه‌های خطی بی‌شمار بسیار دشوار است. ما در چاپ حاضر متنی مبنی بر قدیمی‌ترین نسخه‌ها را در دسترس خوانندگان و محققین قرار می‌دهیم. بر پایه این متن باید فرهنگی «کنکوردانس» نظیر فرهنگ ف. ولف تنظیم گردد. این فرهنگ بر پایه نسخ خطی‌ای که تاریخ کتابت آنها دقیقاً معلوم است قرار خواهد داشت و در آن ذکر خواهد شد که هر کلمه در کدام نسخه وجود دارد. چنین فرهنگی نظر ما را نسبت به لغاتی که فردوسی بکار برده است دقیق‌تر خواهد ساخت و امکان خواهد داد که با کمک مراجعه همه‌جانبه به متن از نو به تحقیق درباره شاهنامه بپردازیم. و فقط پس از آن است که می‌توانیم مسئله متن نهایی «آخرین» شاهنامه را مطرح کنیم. برای این کار می‌توان همچنین از نسخ خطی دیگر شاهنامه و کتب قدیمی دیگری که حاوی بعضی از قسمت‌ها و ابیات اصیل شاهنامه باشند استفاده نمود، زیرا در این صورت چند محک و معیار برای سنجش اصالت آنها در دست خواهد

جنس کاغذ و اسلوب مینیاتورها می‌توان قضاوت کرد که تقریباً در سال ۸۵۰ هجری استنساخ شده است. در این نسخه اشتباهات و اغلاط زیاد است، اما این نسخه نیز حاوی «مقدمه قدیم»، می‌باشد و از روی نسخه‌ای کتابت شده که در بعضی از موارد بسیار نزدیک به نسخه خطی سال ۶۷۵ هجری است. (برای این نسخه علامت شرطی VI بکار برده می‌شود).

این چهار نسخه حاوی متنی است که قبل از تهیه نسخه خطی مشهور برای بای‌سنقر در سال ۸۳۳ هجری رواج داشته است. کلیه اطلاعات و نظریات راجع به «مقدمه قدیمی» و نسخه خطی سال ۸۳۳ هجری توسط ی. برتلس در مقدمه روسی این جلد شرح داده شده است.<sup>۱</sup> و نیز در همین مقدمه مختصات کلیه نسخ مورد استفاده مشروحاً ذکر گردیده است.

متن حاضر ده پایه چهار نسخه نامبرده قرار دارد، با ترجمه عربی شاهنامه نیز که در سالهای ۶۱۵-۶۲۴ هجری توسط الفتح ابن علی ال‌مداری<sup>۲</sup> صفهانی انجام یافته است مطابقت داده شده. (برای این ترجمه علامت شرطی B بکار برده می‌شود). ولی از آنجا که این ترجمه در بسیاری از موارد از ترجمه دقیق متن صرف‌نظر نموده و به حل مختصر واقعه قناعت ورزیده است، استفاده از آن برای ترتیب‌ادن متن حاضر با احتیاط فراوان همراه می‌باشد. از طرف دیگر بسیاری از جزئیات ترجمه بانداری برای ترتیب‌ادن متن کمک گرانهایی بوده. خصوصیات این ترجمه را شیوه استفاده از آن نیز توسط ی. برتلس در مقدمه روسی به تفصیل شرح داده شده است.

هیچ‌یک از نسخ مورد استفاده نمی‌توانست پایه متن حاضر قرار گیرد. بدین جهت برای ترتیب‌دهندگان متن لازم می‌آمد که متن اصلی را پس از مقایسه دقیق کلیه نسخه‌های مورد استفاده و با در نظر گرفتن دقیق کلیه اختلافات و تفاوت‌های آنها انتخاب نموده تفاوت‌ها را در پاورقی قید نمایند تا محققینی که بعداً درباره متن شاهنامه تتبع می‌نمایند امکان داشته باشند کلیه جزئیات کار ما را مورد بازرسی قرار دهند.

محک و معیار شیوه بیان و سبک و زبان شاهنامه در کار ترتیب‌دادن این متن با کمال احتیاط بکار برده شده است. زیرا مسئله این است که ما متن اصلی شاهنامه را در دست نداریم و فقط کوشش می‌کنیم تا هر قدر ممکن است بدان نزدیک‌تر شویم. زبان و سبک و شیوه بیان فردوسی را فقط می‌توان از متن اصلی شاهنامه بدست آورد. بنابراین اگر ما اکنون سخن و سبک و شیوه بیان فردوسی را عاملی شناخته شده بدانیم و بخواهیم بوسیله آنان طریق ترتیب‌دادن متن را معین سازیم دچار اشتباهی منطقی خواهیم شد. زیرا عامل مجهولی برای ما نقش معرف بازی خواهد کرد و یا به

۱- برای دانستن خصوصیات «نسخه بای‌سنقری» که میکروفیلم آن پس از وفات ی. برتلس از ایران دریافت گردیده و در ترتیب‌دادن متن حاضر بکار خواهد رفت به نظریات مشروح کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه در مقدمه روسی رجوع شود. کمیسیون نشر متن انتقادی شاهنامه از فرصت استفاده نموده مراتب امتنان خود را به آقای شجاع‌الدین شفا و آقای مهدی بیانی که میکروفیلم نسخه خطی بای‌سنقری را برای ما ارسال داشته‌اند تقدیم می‌دارد. (یادداشت کمیسیون)

۲- مخصوصاً باید تذکار داد که متأسفانه صفحات اول کلیه نسخه‌های مورد استفاده معیوب بودند و بدینجهت متن حاضر از آغاز کتاب تا پادشاهی کیومرث حاوی موارد مشکوک می‌باشد.

در متن حاضر سیستم ذکر نسخه‌بدلها با سیستم‌های قبلی انتشارات غربی (مثلاً چاپ وولرس) مطابقت دارد. بعضی از مختصات این سیستم در مقدمه روسی بیان شده است. در همانجا نیز رسم الخط نسخ مورد استفاده ذکر گردیده است.

در آغاز کار تمام متن این مجلد بر پایه نسخ I، II، IV، VI و ترجمه بنداری بوسیله L. گوزلیان ترتیب داده شد. ولی بعداً شیوه استفاده از این ماتریل‌ها تغییر یافت. تصمیم چنین شد که نسخه‌بدلها کاملاً ذکر گردد و کلیه ابیاتی که در نسخه‌ها وجود دارند ولی مشکوک یا از ملحقات به نظر می‌آیند در متن بین دو هلال و یا در آخر متن در ملحقات ثبت شوند. بدین ملاحظه متن ترتیب یافته به واسطه گوزلیان، بجز داستان منوچهر از بیت ۱ تا بیت ۱۲۳۸، که توسط او، اسمیرنوا تصحیح شده است به توسط آ. برتلس مورد مطالعه و تصحیح قرار گرفت. آ. برتلس هم چنین متن ملحقات را ترتیب داده است.

بود. هم چنین می‌توان منابع مختلف دیگر مانند طبری، ثعالبی، بلعمی و غیره و نیز فرهنگها را مورد استفاده قرار داد و از تفسیر مشروح تمام متن شاهنامه و بکار بردن کلیه شیوه‌های انتقاد فیلولوژیک آغاز نمود.

ولی این کار مربوط به آینده است. در حال حاضر ما قدیمی‌ترین متن شاهنامه را به خوانندگان عرضه می‌داریم و این نخستین مرحله تتبع درباره متن این اثر است و پایه‌ای برای تتبع بعدی آن. در اینجا باید اقرار کنیم که البته در متن حاضر کمبودهای زیاد و کار پرداخت نشده و صیقل نخورده راه یافته است. ولی ما از این آزمایش که با تمام وسایل متن حاضر را «بهتر سازیم» و آن را «آسان خوانا» کنیم پرهیز نمودیم. زیرا این کار به مقصود ما که تتبع پی‌گیرانه درباره متن است و همچنین به شیوه اساسی ما که تثبیت قدیمی‌ترین نسخ و قدیمی‌ترین ترتیب و تدوین متن می‌باشد خلل وارد می‌سازد. نتیجه چنین آزمایشی متن «آخرین» اثر فردوسی بوجه نمی‌آمد و ارزش کار تنزل می‌یافت و چاپ متن به زمان معلومی معطل می‌گشت.

## مقدمه کمیسیون نشر اثر انتقادی شاهنامه فردوسی

رجوع به ملحقات شماره IX-I، صفحات ۲۴۴ - ۲۵۸ بدون تفاوت و اختلاف اصولی در کلیه نسخ مورد استفاده وجود دارند. فقط ترجمه بنداری فاقد آنهاست. بنابراین به موجب اصل که پایه انتشار این متن قرار گرفته و توسط ی. برتلس بیان شده و در پیش نقل گردیده است می‌بایستی این قطعات در متن بین دو هلال جای داده شوند، چنانکه در موارد نظیر عین ایر عمل اجرا شده است. با وجود این کمیسیون تصمیم گرفت این جلد را به همان شکل که ی. برتلس به بنگاه انتشارات ارائه به چاپ برساند. از این گذشته کمیسیون یادآور می‌شود که بنابر نظریه ی. برتلس که در آخرین اثر او «تاریخ ادبیات فارس - تاجیک» (رجوع به صفحه ۲۰۱ حاشیه ۴۶) دیده می‌شود، آخرین قطعه ملحقات که نه تنها در ترجمه بنداری بلکه در نسخه VI نیز وجود ندارد (رجوع به ملحقات شماره X، بیت ۱ - ۳۷ «کشتن رستم پیل سپید راه» - «گویا از ملحقات بعدی است». قطعه ملحقات X از بیت ۳۸ تا بیت ۱۷۷ «رفتن رستم بکوه سپنده» نیز در ترجمه بنداری و نسخه VI وجود ندارد.

بملاحظه وفات ی. برتلس، که متن حاضر تحت نظاره تهیه شده است اداره انستیتوی خاورشناسی فرهنگستان علوم شوروی کمیسیونی مرکب از ی. براگینسکی عضو پیوسته فرهنگستان علوم شوروی و ع. فردوس تشکیل داد و تهیه و انتشار مجلدات دیگر شاهنامه را به عهده آنها محول نمود.

هنگام وفات ی. برتلس جلد اول و دوم متن انتقادی شاهنامه در مرحله رداکسیون قرار داشتند، و نیز بعضی مسائل مربوط به ترتیب متن از طرف دانشمند فقید هنوز کاملاً حل نشده بود.

در اظهار نظرهای ی. برتلس مربوط به چاپ شاهنامه این جمله دیده می‌شود: «وقتی ترجمه بنداری فاقد ترجمه قطعه‌ای از شاهنامه است ولی این قطعه در کلیه نسخ خطی قدیمی وجود دارد و تفاوت و اختلاف آنها نیز چندان فاحش نیست، چنین قطعه‌ای را ترتیب‌دهندگان در متن نگه می‌دارند» وقتی کمیسیون جلد اول متن انتقادی حاضر شاهنامه را که در مرحله چاپ بود، مورد مطالعه قرار داد به این مسئله برخورد که متن قطعاتی که به ملحقات برده شده